

Lesson 3

“The Value of Knowledge”

ارزش دانش

Say: are those equal, those who know and those who do not know.

“ Zumar 9”

بگو: آیا کسانی که میدانند با کسانی که نمیدانند برابرند. "سوره الزمر ، آیه ۹"

لغات مهم درس سوم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
action	اقدام، عمل، حرکت	emphasis	تأکید - تکیه - اصرار
airplane	هواپیما	emphatic	تأکیدی
anything	هیچی - هیچ چیزی - هر چیزی	energetic	پر انرژی، فعال، پر جنب و جوش
ashamed	شرمنده، خجالت زده	everything	هر چیزی - هر کاری
at all	اصلاً، ابداً	experience	تجربه
at first	در ابتدا	experiment	آزمایش
at that time	در آن زمان	express	بیان کردن، اظهار کردن - سریع السیر
at the moment	در حال حاضر	face	صورت، چهره - مواجهه شدن، روبرو شدن
background	پس زمینه	farmer	کشاورز
be after	به دنبال... بودن	feel	احساس کردن
become	شدن - تبدیل شدن	finally	سرانجام، در نهایت
behave	رفتار کردن	flu	آنفولانزا
being	بودن	fortunately	خوشبختانه
belief	عقیده، باور، ایمان	full of	پر از
believe	باور داشتن، ایمان داشتن	gain	کسب کردن - بدست آوردن
break	شکستن - زنگ تفریح	get around	پخش شدن - شایع شدن
build	ساختن، درست کردن	given	داده شده - ارائه شده
bulb	حباب - لامپ	give up	تسلیم شدن - رها کردن
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن - قطع شدن (برق)
carry out	انجام دادن	grave	گور، قبر
change into	تغییر دادن به، عوض کردن به	grow up	رشد کردن، بزرگ شدن
column	ستون	hall	راهرو - تالار
come in	وارد شدن، داخل شدن	have fun	خوش گذراندن، تفریح داشتن
cookie	بیسکویت، کلوچه	head	سر، کله
cool	عالی، محشر - خنک	hearing	شنوایی
cradle	گهواره - مهد	heavily	به شدت، به سنگینی
description	توصیف	herself	خودش (خانم)
destroy	تخریب کردن، نابود کردن	himself	خودش (آقا)
destructive	مخرب، ویرانگر	history	تاریخ
develop	توسعه دادن، گسترش دادن	historian	تاریخ نویس، تاریخ دان، مورخ
do research	تحقیق انجام دادن	holiday	تعطیل، تعطیلی
drive	رانندگی کردن	holy	مقدس
driver	راننده	hospital	بیمارستان
emotion	احساس، عاطفه	hungry	گرسنه
emotional	احساسی	idea	ایده، نظر، عقیده
emotionless	بی احساس	ideal	آرمانی، ایده آل، دلخواه، کمال مطلوب

لغات مهم درس سوم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
interrogative	(جملات) سؤالی	pass away	فوت کردن، مردن، از دنیا رفتن
into	داخل، به درون	past progressive	(زمان) گذشته استمراری
invent	اختراع کردن	patient	بیمار - صبور
inventor	مخترع	peace	صلح - آرامش
invention	اختراع	place	مکان - جا - قرار گرفتن، قرار دادن
itself	خودش (غیر انسان)	poem	شعر
jump out	بیرون پریدن	poet	شاعر
key	کلید	possible	ممکن - احتمالی
kill	کشتن	power	قدرت، نیرو - برق
kitty	بچه گربه	problem	مشکل - مسأله
knowledge	دانش، علم آگاهی	profit	سود، نفع، مزیت، برتری - منفعت کردن
laboratory	آزمایشگاه	prophet	پیامبر، پیغمبر، نبی
language	زبان	publish	منتشر کردن - چاپ کردن
light bulb	لامپ برق	put aside	کنار گذاشتن
jump out	بیرون پریدن	quickly	به سرعت
math	ریاضی	quit	ترک کردن - رها کردن
meaning	معنی	rainy	بارانی
medicine	دوا، دارو پزشکی	rapidly	به سرعت
must	باید	rather	نسبتاً
myself	خودم	refinery	پالایشگاه
narrate	نقل کردن - روایت کردن	relate	مربوط بودن - ربط داشتن
narrator	نقل کننده، راوی، روایت کننده	remember	به یاد آوردن
near	نزدیک - کنار	researcher	محقق
negative	منفی	rich	ثروتمند
next door	خانه همسایه - در بغلی	sadly	متأسفانه - با ناراحتی، بدبختانه، متأسفانه
noise	سر و صدا	science	علم - دانش
noisy	پر سر و صدا، شلوغ	scientist	عالم، دانشمند
no one	هیچ کسی	seek	جستجو کردن - گشتن به دنبال
notice	توجه کردن	sense	حس، احساس
novel	رمان، داستان بلند	situation	موقعیت - وضعیت
observe	مشاهده کردن	skill	مهارت، فن
ourselves	خودمان	skillful	ماهر، استاد
over there	آنجا	slowly	به آرامی
pain	درد - ناراحتی، رنج	smoke	دود، استعمال دخانیات
painful	دردناک	smoking	سیگار کشیدن
painless	بی درد	solve	حل کردن

لغات مهم درس سوم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
solution	راه حل	try	سعی، تلاش - امتحان کردن
speaker	گوینده	under	زیر
special	ویژه - خاص	unfortunately	بدبختانه، متأسفانه
state	حالت - استان	universe	جهان، دنیا
still	هنوز - آرام ، ساکت	university	دانشگاه
story	داستان	until	تا، تا اینکه
success	موفقیت، کامیابی	value	ارزش، بها، قیمت
successful	موفق، کامیاب	valuable	با ارزش
successfully	با موفقیت	wait	صبر کردن، منتظر ماندن
themselves	خودشان	weak	ضعیف - نحیف
think	فکر کردن	week	هفته
thinker	متفکر، اندیشمند	when	چه زمانی، کی - زمانیکه، هنگامیکه
thought	فکر، تفکر	while	در حالیکه، حال آنکه - هنگامیکه، در حین
Thousands of...	هزاران از...	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
together	با هم	yard	حیاط، محوطه - یارد (واحد طول)
translate	ترجمه کردن	yeah	بله، آری
translator	مترجم	yourself	خودت
translation	ترجمه	yourselves	خودتان

Note:

[illegible]

Conversation (Student Book: Page 76)

Roya and Mahsa are leaving the library.

رؤیا و مهسا در حال ترک کردن کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رؤیا: وقتی من وارد شدم تو یک کتاب می خواندی ، چه بود؟

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من داشتم یک کتاب درمورد دانشمندان ایرانی می خواندم،

Roya: But such books are not very interesting.

رؤیا: اما چنین کتاب هایی خیلی جالب نیستند.

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: ابتدا من هم همچین فکری داشتم باور کن.

Roya: Did you find it useful?

رؤیا: آیا آن را مفید یافتی؟

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

مهسا: اووه بله در واقع من چیز های زیاد جالبی درمورد زندگی دانشمندانمان یاد گرفتم.

Roya: Like what?

رؤیا: مثل چی؟

Mahsa: For example Razi taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital. Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

مهسا: برای مثال، رازی علم پزشکی را به بسیاری از افراد جوان، وقتی که در بیمارستان شهر "ری" کار می کرد ، آموزش داد.
یا نصیرالدین توسی رصدخانه ی شهر "مراغه" را هنگامی که بر روی سیاره ها مطالعه می کرد، ساخت.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رؤیا: عالیه، اسم کتاب چه بود؟

Mahsa: Famous Iranian Scientists.

مهسا: دانشمندان معروف ایرانی.

No Pain No Gain

نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

Human knowledge develops with scientists' hard work. Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

دانش بشری با سخت کوشی دانشمندان توسعه می یابد. بسیاری از زنان و مردان بزرگ برای پیدا کردن حقایق، حل کردن مسائل و اختراع وسایل، سخت تلاش می کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems. They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

بسیاری از این دانشمندان زندگی راحتی نداشتند. اما هنگامی که بر روی مسائل کار می کردند، سخت تلاش کردند. آنها هرگز زمانی که مطالعه می کردند احساس ضعف نمی کردند. آنها هرگز هنگامی که در حال انجام دادن تحقیقات بودند، تسلیم نمیشدند.

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison. As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions. Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12. He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

داستان های بزرگی درمورد دانشمندان و زندگی آنها وجود دارد. یکی از این داستان ها در مورد توماس ادیسون است. به عنوان یک پسر جوان، ادیسون به علوم بسیار علاقه مند بود. او بسیار پرانرژی بود و همیشه سوال هایی میپرسید. متأسفانه ادیسون جوان شنوایی اش را در سن دوازده سالگی از دست داد. او در مدرسه حضور نیافت و علوم را خودش با خواندن کتاب در کتابخانه یاد گرفت.

When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest for making things. Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems. He said, "I never quit until I get what I'm after".

وقتی بزرگ شد، او در مکان های مختلف کار کرد. اما او هرگز علاقه اش را برای درست کردن وسایل از دست نداد. ادیسون برای انجام دادن هزاران آزمایش برای پیدا کردن جواب مسائل معروف بود. او میگفت: من هرگز تسلیم نمیشم تا زمانی که به آنچه دنبالش هستم، برسم.

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life. Many great names had stories like this.

ادیسون بیش از هزار اختراع داشت و در پایان زندگی اش بسیار موفق بود. بسیاری از بزرگان داستان هایی اینچنین دارند.

But the key to their success is their hard work and belief in themselves. If you want to get what you want, work hard and never give up.

اما کلید موفقیت شان، سخت کوشی و ایمان داشتن به خودشان است. اگر می خواهی به آنچه می خواهی برسی، سخت تلاش کن و هرگز تسلیم نشو.

گرامر درس سوم: زمان گذشته استمراری Past Continuous Tense

از این زمان برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار صورت پذیرفته باشد استفاده میشود.

ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	was / were	فاعل
----------	----------	----------	-------	-----------------	------------	------

فعل کمکی was برای فاعلهای مفرد و فعل کمکی were برای فاعلهای جمع و مخاطب بکار میرود.

"او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود." He **was watching** a movie yesterday from 6 to 8.

"سال گذشته همین موقع ما داشتیم از برزیل دیدن میکردیم." This time last year we **were visiting** Brazil.

سؤالی و منفی کردن: برای سؤالی کردن این زمان تنها کافیسست که (was / were) را به ابتدای جمله بیاوریم و برای منفی کردن بعد از این افعال کمکی، قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را بلافاصله بعد آنها اضافه کنیم:

Were you watching television at 10 o'clock last night?

"آیا در ساعت ده دیشب مشغول تماشای تلویزیون بودی؟"

He **wasn't studying** at 8 o'clock yesterday

او دیروز ساعت ده مشغول مطالعه کردن نبود.

مهمترین کاربردهای زمان گذشته استمراری:

(۱) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته انجام شده و برای مدتی ادامه داشته است. (زمان دقیق شروع و پایان مشخص نیست)

"دیروز این موقع داشتم با دوستم حرف می زدم." I **was talking** to my friend at this time yesterday.

(۲) برای اشاره به عملی که در گذشته در حال انجام شدن بوده است و در این بین عمل دیگری اتفاق افتاده باشد.

She **was cleaning** her room **when** somebody **knocked** at the door.

"او داشت اتاقش را تمیز می کرد که یک نفر در زد."

(۳) برای بیان کاری است که در یک زمان مشخص در حال انجام بوده است ولی تمام شدن آن را در آن لحظه بیان نمیشود:

We **heard** a horrible noise outside **while** we **were shopping**.

"موقعی که داشتیم خرید می کردیم، صدای مهبی را از بیرون شنیدیم."

(۴) برای اشاره به عملی ناتمام در گذشته که پایان آن ذکر نشده باشد:

"من در طی پرواز یک فیلم خوبی را تماشا میکردم." I **was watching** a good movie during my flight.

(۵) برای توصیف شرایط و اوضاع در زمان گذشته :

"هنگامیکه به لندن رسیدم، خورشید در حال درخشیدن بود.. When we arrived in London, the sun **was shinin**."

نتیجه گیری مهم: زمان گذشته استمراری اکثراً با جمله های زمان گذشته ساده ترکیب میشود تا نشان دهد که در خلال انجام کاری در گذشته، یک عمل کوتاه و لحظه ای انجام گرفته است. در این حالت جمله ی گذشته استمراری نقش پس زمینه، برای جمله زمان گذشته ساده را بازی میکند. فعل استفاده شده در عباراتی که با **when** می آید، معمولاً **گذشته ساده** و با **while** معمولاً **گذشته استمراری** به کار می رود.

"داشتم تنیس بازی می کردم که دوستم زنگ زد." **When** my friend **phoned** me, I **was playing** tennis.

نکته ۱: به جای *while* میتوان در ساختار بالا از *as* هم استفاده کرد:

نکته ۲: چنانچه دو عمل در گذشته هر دو به صورت همزمان در حال انجام گرفتن باشند، هر دو طرفین کلمه ربط **while** و یا **as** به صورت زمان گذشته استمراری بیان میشوند.

a) were listening / was preparing

b) were listening / prepared

c) listened / was preparing

d) listened / prepared

"آنها در حال گوش دادن به رادیو بودند در حالیکه مادرشان مشغول آمده کردن صبحانه بود."

جواب این تست با توجه به نکته شماره دو، یعنی دو عمل که به طور موازی در حال انجام گرفتن بوده اند، گزینه **a** خواهد بود.

While my mother *was cooking* dinner at the kitchen, I *was studying* my lessons.

"در حالیکه مادرم در آشپزخانه مشغول پختن شام بود، من در حال مطالعه کردن درسهایم بودم."

نکته ۳: برای بیان عملی که در گذشته چندین بار تکرار شده باشد از زمان گذشته ساده استفاده میکنیم:

Mr. Kazemi **went** to Paris five times last year. "سال گذشته آقای کاظمی ۵ بار به پاریس رفت."

Note:

ضمایر انعکاسی و تأکیدی:

ضمایر انعکاسی و تأکیدی مفرد		ضمایر انعکاسی و تأکیدی جمع	
myself	خودم، خود را	ourselves	خودمان، خودمان را
yourself	خودت، خودت را	yourselves	خودتان، خودتان را
himself	خودش، خودش را	themselves	خودشان، خودشان را
herself	خودش، خودش را		
itself	خودش، خودش را		

۱- ضمایر تأکیدی: "Emphatic Pronouns":

از این ضمایر برای تأکید بر انجام کار توسط فاعل استفاده میشوند. بدین معنی که تأکید میشود که شخص یا اشخاص خودشان فعل جمله را انجام داده اند نه شخص یا افراد دیگر این ضمایر باید با فاعل جمله از نظر مفرد و جمع، مذکر و مؤنث و... مطابقت داشته باشند.

محل ضمایر تأکیدی در جمله:

(الف) بعد از فاعل: "آنها خودشان اتاق را تمیز کردند." They themselves cleaned the room.

ضمیر تأکیدی فاعل

(ب) بعد از مفعول: They cleaned the room themselves.

ضمیر تأکیدی مفعول فعل فاعل

نکته ۱: چنانچه جمله ای با let's شروع شده باشد، ضمیر تأکیدی آن جمله ourselves خواهد بود.

"بیا خودمان اتاقها را تمیز کنیم." Let's clean these rooms ourselves.

نکته ۲: حرف اضافه by قبل از ضمایر تأکیدی به معنی (به تنهایی) خواهد بود که در این حالت این حرف اضافه برای تأکید بیشتر بکار برده میشود.

"او خودش به تنهایی همه ظرفها را شست." She washed all the dishes by herself.

"اگر خودت به تنهایی نمیتوانی این تمرین را انجام بدی از معلم درخواست کمک کن." If you can't do this exercise by yourself, ask the teacher for help.

۲- ضمایر انعکاسی "Reflexive Pronouns":

اگر در جمله ای فاعل و مفعول یکی باشند یا به عبارت دیگر، چنانچه فاعل کار جمله را روی خودش یا برای خودش انجام دهد، به جای ضمیر مفعولی از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم: در این حالت محل این ضمایر در جمله بعد از فعل اصلی جمله و در نقش مفعول خواهد بود:

"من خودم را در آینه دیدم." I saw myself in the mirror.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

"او داره برای خودش یک غذای خوب میپزه." He is cooking himself a good meal.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

"مینا برای خودش یک لباس دوخت." Mina made herself a dress.

ضمیر انعکاسی فعل فاعل

نکته ۳: در حالت انعکاسی مفهوم (برای) وجود دارد و نمی توان ضمیر انعکاسی را از جمله حذف کرد (چون این نوع از ضمائر جانشین مفعول جمله میشوند و مفعول جزء اجزای اصلی جمله به حساب میآید). ولی ضمیر تأکیدی را می توان از جمله حذف کرد و خللی در مفهوم جمله به وجود نمی آید چون فقط برای تأکید در جمله میآیند.
 They **themselves** cleaned the room. "آنها خودشان اتاق را تمیز کردند."

نکته ۴ (زبان تخصصی): حروف اضافه مربوط به مکان برای نشان دادن مکان یا همراهی به کار میروند. در این حالت، کاری بر روی مفعولی که بعدشان آمده، روی نمیگیرد. به همین خاطر، نیازی به استفاده از ضمیر انعکاسی نیست، چون بعد از حروف اضافه، ضمائر به صورت مفعولی بکار برده میروند. (هر چند که در زبان فارسی، معمولاً از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم).

They divided the money **among them**. (NOT: ~~the money among themselves.~~)
 ضمیر مفعولی "آنها پول را بین خودشان بخش کردند."

She didn't take her bag **with her**. (NOT: ~~take her bag with herself.~~)
 ضمیر مفعولی "او کیفش را با خودش نبرد."

Please close the door **after you**. (NOT: ~~close the door after yourself.~~)
 ضمیر مفعولی "لطفاً در را پشت سر خودت ببند."

نکته ۵ (زبان تخصصی): بعد از افعال **help**، **make** و **enjoy** در ترکیب با ضمائر انعکاسی، سه اصلاحات مهم زیر ساخته میشوند:

I really enjoy **myself** at the party yesterday. "دیروز در مهمانی بهم واقعاً خوش گذشت."

Please help **yourself** with sandwiches. "لطفاً با ساندویچ از خودتان پذیرایی کنید."

Please make **yourself** at home. "لطفاً اینجا را خانه ی خودت بدان."

نکته ۶ (زبان تخصصی): مواظب تفاوت کاربرد و معنی **each other** و **one another** (همدیگر، یکدیگر) با ضمائر انعکاسی باشید.

Jack and John write to **each other** / **one another** every week.
 "جک و جان هر هفته به همدیگر نامه مینویسند."

Note:

Action & State Verb کنشی و حالتی

تعریف فعل: فعل عملی یا حالتی است که از فاعل بر روی مفعول روی میدهد.

در زبان انگلیسی، افعال به دو گروه کنشی (action verbs) و حالتی (state verbs) تقسیم می‌شوند.

افعال کنشی (action verbs): افعال کنشی یا حرکتی، وظیفه توصیف یک عمل را بعهده دارند. این افعال بیانگر عملی هستند که انجام می‌دهیم یا اتفاقی که واقع می‌شوند و می‌توانند در زمانهای مختلف همچون زمانهای ساده و زمانهای استمراری بکار برد. (یعنی میتوانند ing بگیرند):

She **watches** TV every night. (زمان حال ساده)

She **is watching** a good movie at the moment. (زمان حال استمراری)

I **wrote** a letter to my boss three days ago. (زمان گذشته ساده)

I **was writing** a letter last night when the phone rang. (زمان گذشته استمراری)

افعال حالتی (state verbs): این گروه از افعال غالباً بر وجود داشتن حالتی دلالت دارند نه اینکه به انجام کار یا عمل پردازند. این فعلها معمولاً به عواطف، تفکرات، احساسات، هوش و ادراک و مالکیت دلالت داشته و در کل به افعالی ابلاغ میشود که بدون حرکت و عمل باشند. این افعال در زمانهای استمراری بکار برده نمیشوند (یعنی ing نمیگیرند):

They **own** a big house.

"آنها خانه بزرگی دارند."

(**NOT:** They **are owning** a big house.)

"آنها در حال داشتن خانه بزرگی هستند."

دسته بندی افعال حالتی: افعال حالتی عموماً چهار گونه هستند:

۱- افعالی که افکار و عقاید و حالت‌های ذهنی را نشان میدهند:

recognize	تشخیص دادن	understand	فهمیدن	believe	باور داشتن
forget	فراموش کردن	imagine	تصور کردن	remember	به یاد آوردن
mean	منظور داشتن	notice	توجه کردن	know	شناختن

۲- افعالی که مالکیت و داشتن را نشان میدهند:

possess	دارا بودن	belong	متعلق بودن	own	دارا بودن
have	داشتن	contain	شامل بودن	consist	شامل بودن
include	شامل بودن	depend on	وابسته بودن	owe	بدهکار بودن

۳- افعال ربطی و حسی:

appear	شدن	look	به نظر رسیدن	seem	به نظر رسیدن
get	شدن	grow	شدن	become	شدن
go	شدن	feel	احساس کردن	be	بودن
taste	مزه دادن	stay	ماندن	remain	ماندن
sound	به نظر رسیدن	turn	شدن	smell	بو دادن
keep	نگه داشتن	hear	شنیدن	see	فهمیدن

۴- افعالی که احساسات و عواطف را نشان میدهد:

need	نیاز داشتن	love	دوست داشتن	wish	آرزو کردن
want	خواستن	mind	اهمیت دادن	doubt	شک داشتن
hate	متنفر بودن	hope	امیدوار بودن	like	دوست داشتن

تفاوت افعال کنشی و حالتی:

مهمترین تفاوت افعال کنشی و حالتی این است که افعال کنشی را می‌توان به صورت استمراری بکار برد، (یعنی **ing** میگیرند) ولی افعال حالتی را نمی‌توان در حالت استمراری استفاده کرد. (یعنی **ing** نمیگیرند).

I am reading a book.

"من در حال خواندن یک کتاب هستم."

این جمله صحیح است؛ زیرا **read** یک فعل کنشی است و به درستی در حالت استمراری بکار رفته است.

I **need** a new phone.

"من به یک موبایل جدید نیاز دارم."

(**NOT**: I ~~am needing~~ a new phone.)

"من در حال نیاز داشتن به یک موبایل جدید هستم."

جمله فوق اشتباه است؛ زیرا **need** یک فعل حالتی است که نباید به شکل استمراری بکار رود.

نکته ای مربوط به کنکور منحصراً زبان:

برخی از افعال هم میتوانند فعل حالت باشند و هم فعل کنشی. که در این دو حالت معانی آنها با هم متفاوت خواهد بود:

فعل	معنای حالتی (ing نمیگیرند)	معنای کنشی (ing میگیرد)
appear	به نظر رسیدن	ظاهر شدن
look	به نظر رسیدن	نگاه کردن (به)
taste	مزه داشتن	چشیدن
smell	بو داشتن	بوئیدن
turn	شدن	چرخیدن
go	شدن	رفتن
grow	شدن	رشد کردن
see	فهمیدن	دیدن
have	داشتن	خوردن
think	باور داشتن	فکر کردن
feel	عقیده داشتن	لمس کردن
weigh	وزن داشتن	وزن کردن

Note:

۲۰. تست گرامر آموزشی و دستگرمی درس سه Grammar Tests of Lesson 3

1. While I ----- yesterday, my brother called.
 a) am going to study b) was studying c) studied d) study
 2. When I ----- my hand, the teacher was talking.
 a) am going to rise b) was raising c) raised d) raise
 3. A tree fell on my father's car while he ----- home yesterday.
 a) is going to drive b) was driving c) drove d) drive
 4. We were having dinner at the restaurant when we ----- an old friend.
 a) saw b) see c) were seeing d) are going to see
 5. My little sister ate some chocolate while she ----- to school yesterday.
 a) is going to walk b) was walking c) walked d) walk
 6. When Mr. Saeedi ----- on the radio in his car, he was driving home.
 a) turn b) turned c) was turning d) is going to turn
 7. While he was swimming in the river, he ----- a big black fish.
 a) saw b) see c) was seeing d) am going to see
 8. Narin was watching a movie about Newton when I ----- in.
 a) come b) came c) was coming d) am going to come
 9. While Zahra was walking along the street, she ----- a noise behind her.
 a) was hearing b) is going to hear c) heard d) hear
 10. Raman ----- television at 8 o'clock yesterday when we -----.
 a) was watching-arrived b) watched-arrived
 c) was watching-were arriving d) watched-were arriving
 11. The sun was shining at the sky ----- they went out for a walk.
 a) as b) while c) when d) so
 12. Their father arrived home ----- they were arguing loudly.
 a) when b) because c) while d) so
-
13. Let's clean all the building ----- . It's important to help others.
 a) by myself b) yourselves c) themselves d) ourselves
 14. Sara and Mina made the house tidy by -----.
 a) ourselves b) yourselves c) themselves d) herself
 15. Maryam and I washed all the dishes ----- last night.
 a) herself b) ourselves c) myself d) themselves
 16. Pari's father is going to repair his car ----- next week.
 a) herself b) himself c) ourselves d) myself
 17. Every morning my little brother wash his face and brash his teeth by -----.
 a) yourself b) herself c) myself d) himself
 18. If you and your classmates can't do this exercise by -----, ask the teacher for help.
 a) yourselves b) himself c) herself d) yourself
-
19. I really ----- some new clothes for next winter.
 a) need b) needed c) am needing d) was needing
 20. That boy who was standing next to your brother ----- very tired.
 a) was looking b) looked c) is looking d) looks

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس سوم (پایه دهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (b) چنانچه یک عملی در گذشته در حال انجام گرفتن بوده و عمل دیگر در خلال آن روی دهد از ساختار زیر استفاده میکنیم:
گذشته ساده , گذشته استمراری **While**
ترجمه: "دیروز در حالی که مشغول مطالعه کردن بودم، برادرم زنگ زد."
- ۲- (c) چنانچه عملی در زمان گذشته عملی دیگر را که در حال انجام گرفتن بوده است را قطع کند، از ساختار زیر استفاده میکنیم:
گذشته استمراری , گذشته ساده **When**
ترجمه: "زمانیکه دستم را بالا بردم، معلم در حال صحبت کردن بود."
- ۳- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "درختی بر روی ماشین پدرم افتاد، درحالی که به سمت منزل در حال رانندگی کردن بود."
- ۴- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "ما مشغول خوردن شام در رستوران بودیم زمانیکه یکی از دوستان قدیمیم را دیدم."
- ۵- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "دیروز خواهر کوچیکم مقداری شکلات خورد در حالی که پیاده به مدرسه میرفتیم."
- ۶- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته استمراری **when** گذشته ساده
ترجمه: "زمانیکه آقای سعیدی رادیو را در ماشینش روشن کرد، در حال رانندگی کردن به سمت خانه بود."
- ۷- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته ساده **While** گذشته استمراری
ترجمه: "در حالیکه او مشغول شنا کردن در رودخانه بود، یک ماهی بزرگی را دید."
- ۸- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "نارین مشغول تماشای یک فیلم سینمایی در مورد نیوتن بود زمانیکه من وارد شدم."
- ۹- (c) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته ساده **While** گذشته استمراری
ترجمه: "در حالیکه زهرا در امتداد خیابان در حال قدم زدن بود، صدایی را در پشت سرش شنید."
- ۱۰- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "رامان مشغول تماشای تلویزیون بود زمانیکه ما وارد شدیم."
- ۱۱- (c) برای توصیف شرایط و اوضاع در زمان گذشته از زمان گذشته استمراری استفاده میکنیم و عملی که در خلال آن روی میدهد، زمان گذشته ساده خواهد بود.
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "زمانیکه آنها برای پیاده روی به بیرون رفتند، خورشید در آسمان در حال درخشیدن بود."
- ۱۲- (c) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "در حالیکه آنها مشغول جر و بحث کردن بودند، پدرشان به خانه وارد شد."

Note:

Handwriting practice lines consisting of 20 horizontal dashed purple lines.